تجدیدمیثاق مدیران وزارت ارشاد با آرمان‌های امام خمینی(ره)

فرهیختگان| جمعی از معاونان، مدیران و کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به همراه تعدادی از هنرمندان دیروز با حضور در مرقد مطهر امام(ره) با آرمان‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، تجدیدمیثاق کردند. در این مراسم علی مرادخانی، معاون هنری و نوش‌آبادی، سخنگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به همراه هنرمندانی چون ناصر چشم‌آذر، انسیه شاه‌حسینی، اسماعیل سلطانیان، هرمز سیرتی، رضا ناجی، اسماعیل خلج، جلیل فرجاد، کریم اکبری‌مبارکه، محمود بصیری، داود فتحعلی‌بیگی، عباس بابویهی، جمشید جهان‌زاده، عزت‌الله رمضانی‌فر و محمد فیلی حضور داشتند.

گزارش اول

«کهریزک چهار نگاه» از نگاه فیلمساز

زندگی و پیرانگی در یک فیلم

بهمن کیارستمی

رخشان بنی‌اعتماد

پیروز کلانتری

مسعود کرامتی

گروه ادب و هنر | فیلم‌های مستند همیشه انسان را با واقعیت‌ها روبه‌رو می‌کنند و توجه فیلمسازان حرفه‌ای به این نوع سینما می‌تواند قابل توجه باشد. فیلم «کهریزک چهار نگاه» محصول نگاه چهار فیلمساز حرفه‌ای سینمای ایران است که در سینمای هنر و تجربه اکران شد و توانست نگاه بسیاری از اهالی سینما و تماشاگران را به خودش جلب کند. بر همین اساس است که فیلمسازان این مستند در کنار منتقدانی چون امیر پوریا و کیوان کثیریان می‌نشینند و نگاه خودشان را به این نوع فیلمسازی و این فیلم می‌گویند. رخشان بنی‌اعتماد، پیروز کلانتری، محسن امیریوسفی و بهمن کیارستمی سازندگان این فیلم‌ها هستند. در این نشست امیریوسفی از پیشنهاد ساخت این فیلم توسط بهمن کیارستمی می‌گوید. امیریوسفی معتقد است ویژگی کاری که کرده این بوده که آزادانه سوژه‌ها را انتخاب کرده است. رخشان بنی‌اعتماد هم همین مساله را مطرح می‌کند. او می‌گوید که اگر فیلم سفارشی بود کار خوب از آب درنمی‌آمد. بنی‌اعتماد از روند ساخت فیلمش و دغدغه‌هایی که خودش در این‌باره داشته، گفت: «این دغدغه سن بالا واقعیتی بود که در اطرافم وجود داشت. مساله نگهداری از پدر و مادر واقعا وجود دارد که دغدغه ماست و بچه‌های ما هم‌اکنون چنین نگاهی را ندارند.» بنی‌اعتماد برای ساخت این فیلم مجبور می‌شود تا مادرش را از پیش خودش دور کند و او را پیش برادرش بگذارد. او در این مستندها اپیزود «اتاق ۲۰۲» را ساخته است. پیروز کلانتری که سال‌هاست هم و غمش را گذاشته تا فیلم مستند بسازد، یکی دیگر از فیلمسازان این پروژه است. او درباره روند ساخت این پروژه گفت: «در ابتدا ما دوره‌ای را با هم به کهریزک می‌رفتیم و از نزدیک دیدارهایی با آنجا داشتیم. ما به پروژه به شکل قیدهایی که می‌توانست برایمان داشته باشد، نگاه نکردیم بلکه روح مشترک کار برای ما مهم‌تر از مسائل ساختاری بود. بنابراین ما سعی کردیم که در این کار زندگی و پیرانگی را ببینیم و اینکه هر دوره از زندگی طعم خود را دارد.»

بنی‌اعتماد هم می‌گوید هر چهار فیلمساز برای ساخت این پروژه با هم جلساتی را گذرانده‌اند. تجربه ساختن این فیلم برای بنی‌اعتماد جالب است و همین است که درباره این تجربه می‌گوید: «من پیش از این می‌گفتم که سن فقط یک عدد است اما واقعیت این است که من با ۲۵ سالگی خود بسیار متفاوت هستم که البته این هم بخشی از زندگی است و من برای این سن برنامه‌های خودم را دارم و می‌خواهم در استقلال بگذرد.» کلانتری هم از نگاه خودش به مساله پیری می‌گوید: «من همان زمان دو فیلم دیگر درباره پیری داشتم و فکر می‌کنم نوعی حکمت پیری می‌تواند آیینه تماشای زندگی برای دیگران باشد. حکمت پیرانه با دانش و فضل ارتباطی ندارد بلکه بخش مهمی از این حکمت در کلام است.»

او درباره شیوه کارش در این مستند گفت: «من خواستم کمی ذهنی‌تر نسبت به آنچه وجود دارد عمل کنم بنابراین صداهایی را روی تصویر دیگران قرار دادم چون فکر کردم کلام مهم‌تر از این است که چه کسی آن را می‌گوید. بنابراین یک روز از صبح تا شب فقط سخنان را بدون دوربین ضبط کردیم و بعد چند روز بعد تصاویر را گرفتیم.» رخشان بنی‌اعتماد هم درباره اپیزود «عید» که ساخته بهمن کیارستمی است و در جلسه حضور نداشت، گفت: «بهمن کیارستمی هم طبق آنچه در کهریزک پیش از این انجام می‌شد و فیلم‌های زیادی هم درباره آن ساخته شده است به ثبت و ضبط این کار اقدام کرد و در وقوع آن هیچ دخل و تصرفی نداشت.»

رادیو

اظهارات تکان‌دهنده معاون جدید سازمان صداوسیما

مخاطب رادیو کتاب نزدیک به صفر بود

گروه ادب و هنر | انحلال رادیو کتاب اولین اقدامی بود که معاونت صدا پس از انتصابش در راستای ماموریت چابک‌سازی و حذف برنامه‌های کم‌مخاطب انجام داد. نسرین آبروانی از بابت همین حذف مورد هجمه و انتقاد یکی از خبرگزاری‌های وابسته به جریان تندروی اصولگرایان قرار گرفت که مدعی بود با این رادیو صدای ادبیات انقلاب به گوش خیلی‌ها می‌رسید. حالا معاون صدا گفته است: «بعد از بررسی‌های انجام‌شده توسط کارشناسان رادیو مشخص شد رادیو کتاب بعد از دو سال فعالیت نه‌تنها در جذب مخاطب موفق نبوده بلکه بر روند پرداختن به مساله کتاب در شبکه‌های دیگر رادیو تاثیر منفی گذاشته است. براساس نظرسنجی‌های سازمان صدا و سیما میزان مخاطب این کانال رادیویی که فقط در تهران پخش می‌شد، کمتر از سه‌دهم درصد بوده که این میزان در آمار مخاطبان یک شبکه رادیویی نزدیک به صفر محسوب می‌شود.» آبروانی همچنین درباره ماموریت‌های محوله به او گفته است: «با توجه به سیاست‌های جدید ابلاغی از سوی رئیس سازمان صدا و سیما مبنی‌بر چابک‌سازی و ارتقای کیفیت برنامه‌های رادیویی و نیز بعد از بررسی شبکه‌های مختلف رادیویی و مقایسه هزینه با بازدهی همه بخش‌ها تصمیم بر این شد که ۹ کانال رادیویی ازجمله کانال کتاب که به هیچ‌وجه در انجام ماموریت‌های محوله موفق نبوده‌اند حذف یا در شبکه‌های دیگر ادغام شوند و فرکانس آنها به صورت تخصصی به شبکه‌های پرمخاطب محول شد. دغدغه اصحاب فرهنگ و رسانه‌ها در این موضوع کاملا محترم و قابل درک است و اینجانب اطمینان می‌دهم که موضوع کتاب نه‌تنها در افق آینده رادیو کمرنگ نشده است بلکه با تاکید و جدیت بیشتری مدنظر قرار خواهد گرفت و با سازوکارهای حرفه‌ای و کارشناسانه به نحو احسن به آن پرداخته خواهد شد.» باید دید معاون جدید صدا تحت‌تاثیر فشارهای برخی از رسانه‌های تندرو برنامه‌های فرهنگی شبکه‌های رادیویی را همچنان در اختیار گروهی قرار می‌دهد که تمام هم و غم‌شان منافع شخصی است و همه‌چیز را به‌طور انحصاری برای خودشان می‌خواهند یا اینکه صدای طیف‌های مختلف جامعه و گرایش‌های دیگر هم از شبکه‌های رادیویی به‌ویژه برنامه‌های مربوط به کتاب شنیده خواهد شد؟

یادداشت

به بهانه درگذشت کالین مکالو

خوش‌ترین خاطرات من در ترجمه

مهدی غبرایی
مترجم

اولین بار که با نام کالین مکالو آشنا شدم، در مجله نشر دانش بود که طی معرفی پرآوازه‌ترین رمان نویسنده، عنوانش را که Thorn Birds است «پرندگان تیغی» ترجمه کرده بود. کالین مکالو، نویسنده این رمان، که اخیرا در ۷۷ سالگی از دنیا رفته، استرالیایی است و بیست و چند جلد رمان غالبا پرحجم دیگر، ازجمله چند رمان تاریخی مربوط به رم باستان، نوشته که هیچ‌کدام نه آن شهرت و جذابیت را به دست آورد و نه برای من که برخی را دیدم کشش داشت. رمان «پرنده خارزار» در ۱۹۷۹ نوشته شد و در زمان خود به پدیده‌ای بدل شد و آن‌طور که در منابع موجود آمده در سراسر جهان ۱۰ میلیون نسخه از آن به فروش رسیده است. سریال دلنشینی نیز در سال ۱۹۸۳ از روی آن تهیه شد و در ایران نیز محبوبیت فراوانی کسب کرد. البته رمان چیز دیگری است. رمان داستان عشق ممنوع کشیش کاتولیک جوانی است با دختری که از خردسالی شیفته او شد و کشش و کوشش عشق و دلدادگی از یک‌سو و سرسپردگی به هدف و آرمان از سوی دیگر و سرانجام غلبه عشق، هرچند که ثمر آن بر باد می‌رود. این رمان را با یکی از دوستان قدیم ترجمه کردیم و از خوش‌ترین خاطرات من در ترجمه است. اما چون تا عرضه ترجمه ما ترجمه دیگری با عنوان «مرغان شاخسار طرب» و کمی بعد «مرغ خاره» در آمد، ناچار به فروش کتاب شدیم و در این میان نصیب ما اولین سفر به آلمان با همان حق‌الزحمه شد. خوشبختانه رمان اکنون به چاپ شانزدهم هم رسیده است.

کارت دعوت

دعوت به خواندن نمایشنامه «کوکوی کبوتران حرم» نوشته علیرضا نادری

بافتی یک دست اما متنوع

بهاءالدین مرشدی

آن وقتی که «کوکوی کبوتران حرم» نوشته و کار علیرضا نادری روی صحنه بود نتوانستم به دیدن نمایش بروم. به یاد ندارم این نمایش را که در سال ۸۷ به روی صحنه رفت، چرا ندیدم، اما سال‌ها گذشت تا در سال ۹۳ فیلم اجرا را دیدم. البته هیچ وقت نمی‌توان فیلم یک نمایش را دید و درست درباره آن قضاوت کرد. اما چیزی که در همین فیلم به دلم نشست شیوه اجرایی و نمایشنامه‌ای ساختارمند بود. نمایشنامه‌ای که کنش‌ها و خرده‌روایت‌هایش آدم را سر ذوق می‌آورد. البته شیوه اجرایی نمایش که صحنه و تماشاگران را با یک دیوار شیشه‌ای از هم جدا کرده بود و تماشاگران صدای آن طرف شیشه را با هدفون می‌شنیدند در این فیلم به چشم نمی‌آمد، اما چیزی که بیش از همه به چشم می‌آمد متن، کارگردانی و بازی‌ها و کلیت صحنه بود. کارگردانی و متن را اگر کنار بگذاریم ۱۲ بازیگر زن تئاتر ایران در این نمایش بازی می‌کردند با بازی‌هایی جذاب که هر کدام خرده‌روایت‌های خودشان را مطرح می‌کنند.

این خرده‌روایت‌ها که درنهایت کلیت ماجرا را می‌سازند به ساخت و تنوع بازی‌ها کمک می‌کنند. همین است که اهمیت این نمایشنامه را مشخص می‌کند، نمایشنامه‌ای که قرار است در دل خود بافتی زنانه را روایت کند و در دل این بافت یکدست تنوع‌ها را هم نشان دهد. تنوع حتی در یک خانواده به وضوح دیده می‌شود. یکی از تاثیرگذارترین صحنه‌های این نمایش با کارگردانی خود علیرضا نادری صحنه پایانی آن بود. با این همه، خبر خوب اینکه این نمایشنامه که سال ۱۳۸۲ نوشته شده و در سال ۱۳۸۷ روی صحنه رفته است بالاخره در سال ۱۳۹۳ منتشر شده است. نشر بوتیمار این روزها چاپ نمایشنامه را آغاز کرده و در این سری کارهایش نمایشنامه‌های ایرانی و خارجی را به بازار کتاب می‌فرستد. «کوکوی کبوتران حرم» چهارمین نمایشنامه ایرانی این نشر است که با قیمت ۱۰۵۰۰ تومان و در ۱۰۰۰ نسخه راهی بازار نشر شده است. این نمایشنامه در سال ۱۳۸۸ برگزیده نخست هفتمین دوره جایزه کانون نمایشنامه‌نویسان خانه تئاتر ایران و برگزیده اردیبهشت تئاتر ایران بوده است. این نمایشنامه ماجرای ۱۲ زن است که با یک تور به مشهد و زیارت امام رضا(ع) رفته‌اند و بر همین اساس است که هم مشکلات زنان و هم مسائل اجتماعی و نیز خاطرات یک دوره از تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران بررسی و نشان داده می‌شود. علیرضا نادری در مقدمه‌ای که بر نمایشنامه‌اش نوشته، گفته است: «اگر نویسنده‌ای بتواند از خواننده‌اش چیزی بخواهد، من می‌خواهم این نمایشنامه را قرائت نکنید، بلند هم نخوانید، بشنوید و از گوش بپرسید، می‌شنوی؟ و در پاسخ «آری یا نه» بگویید.» بر همین اساس است که خواندن نمایشنامه‌ای از یکی از نمایشنامه‌نویسان برجسته ایرانی که آثار درخوری را از او در این سال‌ها خوانده و بر صحنه دیده‌ایم، غنیمت است.

با ابراهیم فروزش کارگردان و فیلمنامه‌نویس

گرفتار جابه‌جایی‌ها

مهربانو ابدی‌دوست
m1.abadidost@fdn.ir

ابراهیم فروزش فعالیت هنری‌اش را در مرکز سینمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آغاز کرد. او اولین فیلم سینمایی بلندش را با نام کلید سال۱۳۶۵ کارگردانی کرد و بعد از آن فیلم «خمره» را ساخت که برای اولین بار جایزه یوزپلنگ طلایی از جشنواره لوکارنو را برای سینمای ایران به ارمغان آورد؛ جایزه‌ای که بعد از آن فقط جعفر پناهی توانسته آن را برای بار دیگر برای سینمای ایران به ارمغان بیاود. فروزش از آن دست کارگردان‌هایی است که دوست ندارد عنوان کند چه پروژه‌هایی را در دست ساخت دارد. او معتقد است تا کارش به سرانجام نرسیده، حرفی نزند. شاید هم حق با اوست؛ آن هم وقتی به سرانجام رسیدنش بستگی به شرایط مختلف دارد. کارگردان سینمای کودک و نوجوان ایران در سال پایانی مدیریت عزت‌الله ضرغامی در صدا و سیما، سریالی را با عنوان «زیر نور شمع» براساس کتاب «پلو خورش» نوشته هوشنگ مرادی‌کرمانی در شبکه دوم سیما تصویب کرد و قرار بود آن را بسازد.

این سریال از ۱۸ داستان کوتاه از کتاب «پلوخورش» انتخاب شده بود، اما با تغییر مدیریت و دلایل مالی اغلب پروژه‌ها به‌خصوص سریال «زیر نور شمع» به خواب زمستانی رفتند. فروزش علاوه‌بر سریالش، فیلمنامه‌ای به نام «ساعت پنج عصر» را هم در بنیاد فارابی داشت که آن هم از تغییر مدیریت در امان نماند. در همین حوالی با ابراهیم فروزش به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

هوشنگ مرادی‌کرمانی سرگرم نوشتن فیلمنامه‌ای برای سریال‌تان بودید. می‌خواهم بدانم تکلیف سریال‌تان چه شد؟

خب تغییر مدیریت‌ها باعث شده سریال «زیر نور شمع» هم مثل کارهای دیگر به تعویق بیفتد.

علت تعویق افتادن کارتان چه بود؟ آیا از نگاه مدیران جدید، فیلمنامه مشکلی داشت؟

در جابه‌جایی اصولا فقط به فیلمنامه‌ها و احیانا سریال‌هایی که در دست ساخت است، آسیب زده نمی‌شود. بلکه کل یک شبکه وقتی مدیریتش عوض می‌شود، لطمه می‌بیند. اصولا تا مدیریت بخواهد جا بیفتد، پروژه‌ها دچار تغییراتی می‌شوند. بعد هم که مدیر جدید باید کل کارها و مجموعه زیر نظرش را نگاه کند تا دستش بیاید که چی هست و چی نیست. این چیزها طبیعی است و یک مقدار زمان بر است. بنابراین پروژه‌های مختلف، حتی آن‌هایی که در حال کار هم هستند، در تولیدشان وقفه ایجاد می‌شود. حالا چه برسد به سریال‌هایی که مراحل ابتدایی‌شان را داشتند طی می‌کردند. بنابراین طبیعی است که چنین قضیه‌ای پیش آمده است. تقریبا فکر می‌کنم همه شبکه‌ها هنوز دارند برای کارهای آینده‌شان مطالعه می‌کنند.

کار شما در چه مرحله‌ای بود؟

سناریو تقریبا تنظیم شده بود. یک بازنویسی مجدد انجام گرفته بود. اما تغییرات کوچکی مانده بود. قرار بود ضمن انجام امور تولید را جلو ببریم. می‌توان گفت تقریبا کار تکمیل بوده است.

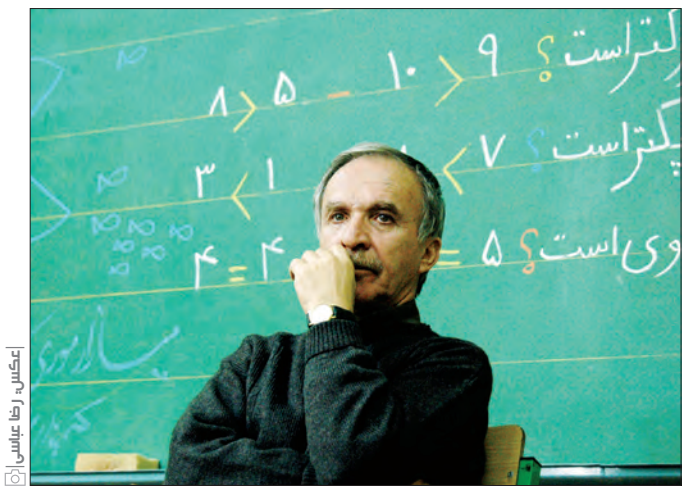
عکس: رضا عباسی

بازیگران را انتخاب کرده بودید یا نه؟

نه. سریال در قسمت‌های جداگانه‌ای ساخته می‌شود و به صورت اپیزودیک است. ولی همه قسمت‌ها به هم وصل است؛ یعنی هر قسمتی به قسمت دیگر ارتباط پیدا می‌کند. هر قسمتی بازیگران خاص خودش را دارد. درنهایت به جز چند نفری که در نظر گرفته بودیم، کل کار را گذاشته بودیم به اینکه کار برسد به آن مرحله نهایی‌اش برای تولید که ما شروع بکنیم به انتخاب بازیگر.

تهیه‌کننده اعلام کرده است از اول فروردین تصویربرداری کار را شروع می‌کنید.

واقعیت این است که من هنوز در جریان قرار نگرفته‌ام.

نگارش فیلمنامه‌ها را چه کسی به عهده داشت؟

من چون برای این کار وقت نداشتم، فقط روی کل کار نظارت دارم. درواقع یک تیم مرکب از چهار نفر از دوستان با سرپرستی فارس باقری روی فیلمنامه کار می‌کنند.

آیا امکان دارد به دلیل تعریفی که برای شبکه‌ها در دوره جدید مدیریت محمد سرافراز شده است، این سریال از شبکه دو پخش نشود؟

تا حالا که شبکه دوم سیما بوده. حالا اگر بخواهد این را حواله بدهد مثلا به شبکه پنج، من خبر ندارم. سیاست‌های سازمان چارت سازمانی را تعیین می‌کند.

از فیلمنامه سینمایی‌تان چه خبر؟

آن هم همین سرنوشتی را پیدا کرد که سریال «زیر نور شمع» دارد. تغییر و تحولات سازمان سینمایی و بنیاد فارابی دامنگیر کار سینمایی‌ام هم شد. بعد از رفتن احمد میرعلایی از فارابی و آمدن جعفری‌جلوه، کارم دچار مشکل شد. تا جلوه هم بخواهد در جریان کار قرار گیرد، عوض شد و حالا هم خلیلی‌حیدری سرپرست است و تا بخواهد جا بیفتد و در جریان کار من قرار گیرد، باید منتظر بمانم.

با همه این اوصاف پس شما نباید از تغییر مدیریت زیاد خوشحال باشید؟

این دیگر به روالی عادی در سینمای ایران تبدیل شده است؛ یعنی با رفتن مدیر قبلی تمام برنامه‌های او تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و برنامه‌های تازه‌ای برای سینما چیده می‌شود و طبیعی است که این تغییر برنامه در درجه اول فیلمسازان را متاثر می‌کند.

سینما

دغدغه‌های پیرانه‌سری آل‌پاچینو

برای دریافت طلب‌هایمان چه کار کنیم

گروه ادب و هنر | حالا آل‌پاچینو ۷۲ ساله در سن و سالی قرار گرفته که بتواند به راحتی احساس سیمون آکسلر شخصیت اصلی فیلم جدیدش یعنی «تحقیر» را درک کند. او باید نقشی را بازی کند که نگران از دست دادن قدرتش است و اینکه نتواند از فرصت‌هایی که به دست می‌آورد، استفاده کند. بازیگر سرشناس سینما گفته است که از سر تعمد این نقش را برای بازی کردن انتخاب کرده است: «فکر می‌کنم در این نقش شانس بیشتری داشتم تا بتوانم آن را موثر ارائه کنم، چون این جهانی است که من درکش کرده‌ام.» این حرف‌ها را آل‌پاچینو هنگام مراسم فرش قرمز برای فیلم «تحقیر» در مصاحبه‌ای به زبان آورده و ادامه داده است: «بازیگری، مخصوصا وقتی به طول همه مدتی باشد که من به آن مشغول بوده‌ام، دیگر بخشی از طبیعت خودت می‌شود و حتی به ندرت به مسائل دیگر فکر می‌کنی.» او حرف را به سن و سالش کشانده است تا بگوید که در این زمان دیگر مساله سن را درک می‌کند: «تفاوت را حس می‌کنی. دیگر نمی‌توانی به راحتی از روی این میز بلند شوی و روی آن یکی بنشینی.» او افزود: «شاید بخواهم اما نمی‌توانم.» بازیگر نقش به یادماندنی فیلم «پدرخوانده» چشم به راه نقش‌های بزرگی است که اگر نوشته شوند، او به خوبی می‌تواند از عهده‌شان برآید. برای همین است که به بازنشستگی فکر نخواهد کرد. او قرار است پاییز ۲۰۱۵ با جدیدترین نمایشنامه دیوید ممت با عنوان «عروسک‌چینی» در برادوی به صحنه برود. و در تلویزیون نیز به‌زودی تا روزهای پایانی ناپلئون را بازی کند: «همیشه به نظرم روزهای پایانی زندگی او جالب بودند. حتی ماه پایانی زندگی ناپلئون.»

سینما

رامبد جوان با مستند «بختک» در جشنواره

زندگی خصوصی زنان جنوب‌شهر شیراز

گروه ادب و هنر | حضور رامبد جوان در جشنواره سی‌وسوم با دوره‌های دیگری که کارگردان یا بازیگر بود، فرق دارد و در نقش تهیه‌کننده فیلم مستند «بختک» خواهد بود. «بختک» زندگی خصوصی چند تا زن در جنوب شهر شیراز را به تصویر می‌کشد و موضوعی جسورانه و انتقادی دارد. رامبد جوان درباره اینکه چه چیزی او را ترغیب کرده است تا تهیه‌کننده یک مستند باشد، می‌گوید: «شکل مستند آنقدر تاثیرگذار است که ما باور می‌کنیم چیزی ساختگی نیست و در حال تماشای واقعیت و استراق‌سمع هستیم. چنین مستندهایی برای من به‌عنوان کسی که عاشق سینمای رویاپرداز جادویی و قصه‌گو هستم، گاهی جذاب‌تر است و آنها را بیشتر از سینمای داستانی می‌پسندم.» رامبد جوان مستندی را که تهیه‌اش کرده این‌طور تعریف می‌کند: « اثرگذاری اجتماعی و فرهنگی این فیلم برایم در اولویت قرار دارد. این فیلم بخشی از جامعه‌ای را روایت می‌کند که به‌خاطر محرومیت در معرض همه نوع آسیبی قرار دارد که این آسیب بسیار جدی است. وقتی با آن مواجه می‌شویم می‌بینیم که واقعا در پیرامون ما زندگی‌های هولناک در جریان است. کسی که در چنین محیط‌هایی به دنیا می‌آید و زندگی می‌کند محکوم به شکست و ناکامی است. واقعا جای تحلیل و بررسی دارد چگونه والدینی که از آینده گره‌خورده به بزهکاری فرزندان‌شان مطلعند می‌توانند با خیال راحت، با امیدواری و بدون ایجاد هیچ‌گونه تغییری به زندگی خود ادامه دهند؟ دلیل این انفعال را باید جست‌وجو کرد.» جوان امیدوار است تا مستند «بختک» را دولتمردان، مجلسیون، نهادها، سرمایه‌دار، سرمایه‌گذار و خیرین ببینند: «چون این قشر مسیر خودش را می‌رود، این دیگران هستند که باید به روند زندگی آنها تلنگر وارد کنند.»

سینما

موسیقی

مجید مجیدی

گروه ادب و هنر | این روزها مجید مجیدی در تلاش است تا فیلم «محمد(ص)» را برای اکران در ایران آماده کند. حالا یک نگرانی دیگر هم به نگرانی‌های او اضافه شده است. محمدمهدی حیدریان تهیه‌کننده فیلم «محمد (ص)» گفته است: «فیلم محمد(ص) به صورت ۲۵ فریم و با کیفیت ۴K آماده و تبدیل به DCP شده است اما در ایران تنها هفت سالن سینما داریم که قابلیت پخش سیستم نمایش D دارند، آنها هم برای کیفیت ۲K هستند.» قرار بود فیلم مجید مجیدی در آیین افتتاحیه جشنواره سی‌وسوم فیلم فجر به نمایش درآید و رونمایی شود که این اتفاق نیفتاده است و اکران آن احتمالا یا منتفی شود یا با تاخیر همراه باشد.